

## تنگه هرمز نه قابل مذاکره است نه قابل معامله!



وحید عظیم‌نیا

دبیر گروه اقتصادی

جنگ تحمیلی سوم، در کنار داغ عزیزان و خساراتی که بجا گذاشت، یک خروجی مهمی دارد به طوری که کشورمان را در آستانه یک جایگاه ویژه قرار داده است و به همین دلیل نباید با گراها و پیام‌های ناکوک، مسیر تحقق این مهم، سنگلغای شود،نگاهی به محیط راهبردی خلیج همیشه فارس و شوک‌های هم‌زمان در بازار جهانی انرژی نیز این واقعیت ساختاری را برجسته کرده است که تنگه هرمز یک «قطعه تنظیم‌گر» در معماری امنیت و اقتصاد جهانی محسوب می‌شود و تمرکز بخش قابل توجهی از جریان نفت، گاز و فرآورده‌های انرژی در این گلوگاه، آن را به ابزاری تعیین‌کننده در شکل‌دهی به رفتار بازیگران بین‌المللی تبدیل کرده‌است. در چنین چارچوبی، نقش ایران اسلامی در جایگاه «مدیر مؤثر امنیت انرژی» تعریف می‌شود که بر پایه واقعیت‌های میدانی، ظرفیت‌های جغرافیایی و هزینه‌کردن مستمر در حوزه امنیت دریایی تثبیت شده‌است.

بنابراین طرح هرگونه مذاکره یا معامله برای مدیریت تنگه هرمز، نادیده گرفتن سال‌ها هزینه امنیتی و راهبردی جمهوری اسلامی ایران تلقی می‌شود که با بیش از ۲ هزار کیلومتر مرز آبی در جنوب، به‌طور مستمر مسئولیت تأمین امنیت این آبراه حیاتی را بر عهده داشته‌است، از طرفی نمی‌توان و نباید این مسئولیت را با دیگران تقسیم کرد چراکه امنیت تنگه هرمز یک مأموریت ملی است که با منابع، توان و اراده ایران محقق شده است.

■ **دیروز هزینه، امروز در آمد**

حتماً مسئولان دست‌اندر کار واقع هستند، امنیت، مفهومی انتزاعی نیست که بدون هزینه ایجاد شود و طبعاً ایران اسلامی طی سال‌های گذشته، هزینه‌های سنگینی برای تثبیت امنیت در تنگه هرمز پرداخت کرده‌است و در جریان جنگ تحمیلی سوم نیز هزینه به مراتب سنگینی پرداخت کرد، بنابراین در چنین وضعیت، منطقی نیست که سایر بازیگران بین‌المللی بدون پرداخت هیچ‌گونه هزینه‌ای از این امنیت بهره‌مند شوند. در بافت عوارض از کشتی‌های عبوری، یک اقدام کلاماً متعارف در بسیاری از آبراه‌های مهم جهان محسوب می‌شود. در تنگه هرمز نیز بافت «حق عبور»، فراتر از یک ابزار اقتصادی، یک ابزار تنظیم‌گر در روابط بین‌المللی است. کشتی‌هایی که محموله‌هایی با ارزش صدها میلیون دلار را جابه‌جا می‌کنند، نمی‌توانند انتظار داشته باشند بدون پرداخت هزینه‌ای از یکی از حساس‌ترین نقاط جهان عبور کنند.

از طرفی باید توجه داشت این در آمد صرفاً نباید به‌عنوان یک منبع مالی کوتاه‌مدت تلقی شود، بلکه باید در چارچوبی راهبردی، به صورت بلند مدت، مدنظر قرار گیرد. بازسازی زیرساخت‌ها، توسعه فناوری‌های نوین و حمایت از بخش‌های مولد اقتصاد، از جمله محورهایی است که می‌تواند از این محل تأمین مالی شود. در واقع، در آمد ترانزیتی امروز، پشتوانه اقتدار اقتصادی فردا خواهد بود، این شالوده.

■ **مدیریت هوشمندانه**

درک صحیح از جمهوری اسلامی ایران در تنگه هرمز، نیازمند عبور از دوگانه‌سازی‌های غلط است. این تنگه راهبردی نه بسته شده و نه قرار است به‌عنوان یک ابزار انحصاری دامنی مورد استفاده قرار گیرد. آنچه در دستور کار قرار دارد، «مدیریت هوشمند» این آبراه است که مبتنی بر منافع ملی، ملاحظات امنیتی و اصول حقوقی استوار است. بنابراین این مدیریت به معنای آن است که عبور و مرور کشتی‌ها، تابع شرایط و رفتار بازیگران بین‌المللی باشد. کشورهای که در چارچوب احترام متقابل و همکاری اقتصادی حرکت می‌کنند، می‌توانند به تدریج و اصولی وارد این میز نوین انتظار دسترسی به این مسیر حیاتی را داشته باشند. در این چارچوب، تفکیک میان کشورهای متخاصم و غیرمتخاصم اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند. به کشورهای غیرمتخاصم اجازه داده می‌شود که تجارت انرژی خود را ادامه دهند، اما این مجوز نیز بدون شرط نخواهد بود. این کشورها باید در صورت هر فقهیست، این مسیر، رفیق‌تر گشت دارد و می‌تواند به موتور برای مشخصی نسبت به ایران بپذیرند. این تعهدات می‌تواند در قالب مشارکت در پروژه‌های زیرساختی، انتقال فناوری، همکاری‌های بانکی و حضور در برنامه‌های توسعه‌ای کشور تعریف شود. نیک می‌دانیم که تجارت در تنگه هرمز، صرفاً یک مسیر یک‌طرفه نیست. این مسیر، رفیق‌تر گشت دارد و می‌تواند به موتور برای شکل‌گیری یک شبکه‌گسترده از تعاملات اقتصادی تبدیل شود. حجم مبادلاتی که از این مسیر عبور می‌کند، ظرفیت آن را دارد که به حجم قابل توجهی گردش مالی برسد و طبعاً چنین ظرفیتی، اگر به‌درستی مدیریت شود، می‌تواند به موتور محرک اقتصاد ملی تبدیل شود.

■ **دیپلماسی اقتصادی، محور آینده**

واقعیت این است که در شرایط کنونی، دیپلماسی اقتصادی نقشی تعیین‌کننده‌تر از دیپلماسی نظامی ایفا می‌کند. اگر چه توان دفاعی و بازدارندگی نظامی، پیش‌شرط هرگونه اقدام راهبردی است، اما تثبیت دست‌انستواردها در عرصه اقتصادی، نیازمند طراحی هوشمندانه و اجرای دقیق سیاست‌های اقتصادی است و تنگه هرمز، بستری بی‌نظیر برای اعمال این نوع دیپلماسی فراهم کرده‌است. کشورهای که خواهان استفاده از این مسیر هستند، باید در قالب سازوکارهای چندجانبه، به تعهدات اقتصادی مشخصی بایند شوند. حضور در ترتیبات منطقه‌ای و بین‌المللی، از جمله همکاری در قالب سازمان‌های اقتصادی و مالی، می‌تواند به‌عنوان بخشی از این تعهدات تعریف شود. در این میان، موضوع نحوه تسویه مالی نیز اهمیت بالایی دارد. دریافت عوارض و هزینه‌های عبور به «ریال» می‌تواند به تقویت پول ملی کشورمان منجر شود. تجربه برخی کشورهای در ازم طرح‌های تجاری به استفاده از ارز ملی، نشان داده‌است که چنین رویکردی می‌تواند به کاهش وابستگی به ارزهای خارجی و افزایش ثبات اقتصادی کمک‌کند. زمانی که کشورها برای استفاده از تنگه هرمز ناچار به تأمین ریال باشند، تقاضا برای پول ملی افزایش یافته و این امر به تقویت آن منجر خواهد شد، بنابراین بهتر است نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی در جریان تدوین طرح‌عامل حاکمیت تنگه هرمز، به این موضوع راهبردی توجه کنند. از سوی دیگر، تمرکز بر توسعه شرکتهای دانش‌بنیان و صادرات خدمات و محصولات فناوری بالا، باید به‌عنوان مکمل این راهبرد دنبال شود. امنیتی که در تنگه هرمز تأمین می‌شود، می‌تواند به پشتوانه‌ای برای گسترش صادرات سرمایه‌گذاری پیشرفته تبدیل شود، به عبارتی برخی کشورهای غیرمتخاصم که اجازه عبور از تنگه هرمز پیدا می‌کنند باید متعهد به برخی اقدامات در حوزه صادرات خدمات فناوری‌پایه ایران اسلامی شوند. همچنین در شرایطی که بازار جهانی انرژی با نوسانات شدید مواجه است و حتی برخی صنایع از جمله حمل‌ونقل هوایی تحت فشار افزایش قیمت سوخت قرار گرفته‌اند، باید در قبال انتقال از عبور از تنگه هرمز، معتمد به دادن برخی امتیازات اقتصادی از جمله سرمایه‌گذاری در تهران شوند. جان کلام آنکه، مدیریت تنگه هرمز تحت هیچ شرایطی قابل مذاکره نیست. این مدیریت، بخشی از حاکمیت ملی ایران است و نمی‌توان آن را موضوع چانه‌زنی قرار داد. کشورهایی که به دنبال بهره‌مندی از مزایای این مسیر هستند، باید قواعد آن را بپذیرند. این قواعد، بر پایه تأمین امنیت، احترام متقابل و همکاری اقتصادی استوار است و ادامه این مسیر نیز نیازمند ثبات در تصمیم‌گیری، انسجام در اجرا و نگاه بلندمدت است و نیازی به ورود به مذاکراتی که منافع ملی را تضعیف کند، ندارد، پس تنگه هرمز، نه قابل مذاکره و نه قابل معامله است؛ بلکه یک دارایی راهبردی است که باید با مدیریت هوشمندانه، به سکوی پر تاب اقتصاد ملی تبدیل شود.

تجاوز نظامی «طبقه ایستین» علیه کشورمان، در حوزه اقتصادی نیزآمریکارا دچار چالش کرده‌است. در شرایطی که نزدیک به ۴۰ روز از آغاز تجاوز امریکا و اسرائیل به کشورومان می‌گذرد، صور تحساب خسارات امریکا از این جنگ بسیار سنگین شده است؛ چه به لحاظ نظامی که یک نمونه آن را اخیراً در شکست یکی از پیچیده‌ترین و سنگین‌ترین عملیات‌های هوایی ار تنش امریکا در عمق خاک ایران شاهد بودیم که در نهایت به صحنه سوختن تجهیزات راهبردی ار تنش این کشور و انهدام چهار فروند هوا پیمای و هلی کوپتر منجر شد و چه به لحاظ اثرات مستقیم و غیرمستقیم ناشی از این جنگ برای اقتصاد این کشور که روز به روز سنگین‌تر می‌شود.

■ ■ ■

سهم دلار در ذخایر جهانی ازها برای اولین بار به زیر سطح حیاتی خود رفته و به ۵۶٫۹ درصد کاهش یافته، در حالی که سهم یوان به بالاترین حد تاریخی یعنی ۶۱٫۸ درصد رسیده است. هند رسماً پیشنهاد داده است در اجلاس آتی بریکس، اعضازهای دیجیتال بانک مرکزی (CBDC) خود را به هم متصل کنند تا تجارت بدون دلار انجام شود. کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس نیز مجبور به جایگزینی دلار با ارزهای محلی در پروژه‌های کلان هستند. روسیه هم از تکمیل فرآیند استفاده از ارزهای ملی در مبادلات تجاری با شرکای خود خبر داد. الگسی اورچاک، معاون نخست‌وزیر روسیه طی اظهاراتی اعلام کرد که مسکو فرآیند استفاده از ارزهای ملی در مبادلات تجاری با کشورهای مستقل همسود (CIS)، اتحادیه اقتصادی اوراسیا (EAEU) و چین را تقریباً تکمیل کرده است. به گفته این مسئول روسی، ایجاد سیستم پرداخت و تسویه حساب مستقل از بانک‌ها و ارزهای کشورهای غربی، اصولی همکاری‌های اوراسیایی است.

■ **سیستم جایگزین سوئیت**

از سوی دیگر، چین به‌عنوان بزرگ‌ترین شریک تجاری روسیه، همواره موافق حذف دلار از مبادلات دوجانبه بوده‌است. دو کشور در تلاش برای ایجاد سیستم‌های پرداخت جایگزین مانند کارت‌های پرداخت ملی «میر» و «یوئینوی پی» و همچنین تقویت ارتباطات از راه‌های خود در برابر دلار، گام‌های بلندی برداشته‌اند. این تحول نشان‌دهنده تغییر معادلات قدرت در اقتصاد جهانی و تلاش کشورهای تحت تحریم برای دور زدن سیستم مالی امریکاست. همچنین چین از مسیر پرداخت اختصاصی خود به نام CIPS استفاده می‌کند. گردش مالی این سیستم در سال ۲۰۲۵ تا حدود ۲۵ تریلیون دلار (۱۸۰ هزار میلیارد یوان) رسیده و اکنون قابلیت جایگزینی یواس‌دولار در سطح منطقه‌ای دارد.

■ **فرانسه ۱۲۹ تن طلای خود را از امریکا خارج کرد**

بانک مرکزی فرانسه نیز ۱۲۹ تن طلا را از امریکا خارج کرد. این مجموع، آخرین ذخیره طلای فرانسه

است.

### آیدگاه

■ **وحید شافعی**

تغییرات سریع در معادلات ژئوپلیتیک جهان و بروز تنش‌های منطقه‌ای، بازیگری در مسیرهای سنتی تجارت خارجی را به یک اسزرم‌گرز ناپذیر برای سیاست‌گذاران تبدیل کرده است. در شرایطی که احتمال بروز بحران‌هایی و محدودیت‌های ناخواسته، کارکرد بنادر جنوبی و کریدورهای دریایی متعارف را با آسیب‌پذیری و ریسک‌های بالایی مواجه می‌سازد، تمرکز بر مسیرهای جایگزین اهمیت مضاعفی می‌یابد. در این راستا، مسیرهای ترانزیتی و تجاری شمال کشور، نه تنها به عنوان یک مسیر اقتصادی، بلکه به مثابه یک پل‌اندازه برای غلبه قدرتمند بر تارک شبکه‌های خارجی عمل می‌کنند. توسعه عملیات راه‌آهن مسایگان شمالی در دوران ثبات، یک فرصت طلایی برای رشد اقتصادی است و در زمان بروز بحران‌های بین‌المللی، شریان حیاتی تأمین نیازهای کشور محسوب می‌شود. از این رو، بررسی ایجاد همکاری‌تجارت با کشورهای حوزه قفقاز، آسیای مرکزی و اوراسیا از چند منظر راهبردی قابل تأمل است.

■ **امنیت غذایی؛ تنوع‌بخشی به مبادی تأمین کالاهای اساسی**

یکی از ارکان اصلی استقلال و امنیت ملی هر کشوری، تضمین امنیت غذایی و تأمین پایدار کالاهای اساسی است. تمرکز بر مبادی وارداتی خاص و محدود، همواره ریسک‌های اجتنیبی و سیاسی به همراه دارد. در این میان، کشورهای همسایه شمالی ظرفیت‌های بی‌بدلی برای تأمین نیازهای ایران دارند. بر اساس برآوردهای رسمی و اعلام اتحادیه غلات روسیه، این کشور در سال جاری میلادی قادر به صادرات ۵۵ میلیون تن غلات به بازارهای جهانی است که این رقم نشان‌دهنده افزایشی بالغ بر ۵ میلیون تن نسبت به سال گذشته‌است. علاوه بر روسیه، کشورهای نظیر قزاقستان از تولیدکنندگان و صادرکنندگان عمده ذره‌فاده‌های روغنی در منطقه به‌شمار می‌روند و در کنار ازبکستان، ظرفیت بسیار بالایی برای تأمین گوشت قرمز و نیازهای پروتئینی ایران دارند. همچنین، در حوزه نهاده‌های کشاورزی، امکان تأمین پایدار کودهای شیمیایی، به ویژه کود پتاس از روسیه کلاماً فراهم‌است. هدایت‌فلس و واردات کالاهای اساسی به سمت این کشورها، علاوه بر کاهش

# اقتصاد

سرویس اقتصادی ۶۰۰۸۸۵۲۳

از اقدامات عملی کشورها برای کنار گذاشتن دلار تا خروج ۱۲۹ تن طلای فرانسه از امریکا و پیش بینی بدترین رکود

# صورتحساب جنگ طلبی امریکا هر روز سنگین‌تر می‌شود

فشار اقتصادی جنگ طلبی امریکا بسیار سنگین‌تر از برآوردهای اولیه است به طوری که این رژیم را به سمت رکود اقتصادی و شاید بدترین رکود تاریخ، سوق می‌دهد



گزارش یک ساعده زمانی

پیش‌بینی نشده ۱۰۰۰ دلاری را بدون قرض کردن پوشش دهند. اخراج‌ها از راه رسیده‌اند. در بخش دیگری از این گزارش آمده‌است آخرین باری که غرب با چنین وضعیتی روبه‌رو شد رکود تومی، دگرگونی ژئوپلیتیک، اختلال ساختاری اقتصادی بافت اجتماعی به گونه‌ای از هم گسست که هرگز کلاماً ترمیم نشد.

■ **بازندگان جنگ با ایران**

تهاجم اسرائیل و امریکا به ایران، جنگ در بسیاری از کشورها را از دگرگونی نظامی خارج کرده و به‌سرعت به شوک اقتصادی تبدیل کرده‌است. خزانه‌داری استرالیا هشدار داده‌است که هزینه‌های پایدار انرژی ناشی از این جنگ می‌تواند ۶۱/۵ (میلیارد دلار به اقتصاد این کشور ضربه بزند. سازمان ملل (FAO) نیز اعلام کرد که به دلیل اختلال در مسیرهای حمل‌کود شیمیایی از هرزم، قیمت جهانی مواد غذایی ۲/۴ درصد افزایش یافته و در صورت ادامه بحران، ممکن است تا ۲۰ درصد دیگر هم گرگان شود. رویترز نیز در این باره گزارش داد که اگر جنگ بیش از ۴۰ روز ادامه یابد، افزایش قیمت کود انرژی می‌تواند تولید کشاورزی را کاهش داده و قیمت جهانی مواد غذایی را به شدت بالا ببرد. داده‌های بازار نیز نشان می‌دهد در ماه مارس قیمت گندم ۴۱/۲درصد، روغن نباتی ۵/۱درصد و شکر ۷/۲درصد افزایش یافته‌

است. کارشناسان می‌گویند با افزایش هزینه سوخت و نهاده‌های کشاورزی، بسیاری از کشاورزان در حال از ری‌های این موضوع هستند، که آیا کشت محصولات فروخت و به جای آن، طلای معادلی در اروپا خریداری کرد که اکنون در پاریس انبار شده‌است. در آلمان که دومین ذخیره بزرگ طلای جهان را در اختیار دارد، برخی اقتصاددانان با اشاره به نگرانی‌از سیاست‌های غیر قابل پیش‌بینی دونالد ترامپ، از دولت خواسته‌اند طلای خود را از امریکا خارج کند. بانک فدرال آلمان حدود هزار و ۲۳۶ تن طلا در امریکا نگهداری می‌کند.

مایکل یگر، رئیس انجمن مالیات‌دهندگان آلمان و همچنین رئیس انجمن مالیات‌دهندگان اروپا، گفت:

ترامپ غیر قابل پیش‌بینی است و برای کسب درآمد دست به هر کاری می‌زند. به همین دلیل، طلای ما دیگر در خزانه‌های فدرال رزرو امن نیست. ■ **احتمال بدترین رکود تاریخ امریکا؟**

نهیسه‌ریل وابسته به کنگره امریکا با پیش‌بینی بدترین رکود امریکا نوشت: یک رکود اقتصادی در راه است نه آن نوع رکود ار استعای که اقتصاددانان با تعبیرهای ملایم‌تر آن نام می‌برند، بلکه یک رکود واقعی؛ از آن نوع که معنای دست به هر کاری می‌زند. به همین دلیل، طلای ما دیگر در خزانه‌های فدرال رزرو امن نیست. ■ **کری‌دیدور شمال-جنوب؛ شش‌ااره تغییر معادلات ژئواکونومیک**

پروژه گذرگاه بین‌المللی شمال-جنوب (INSTC)، فراتر از یک مسیر حمل‌ونقل ساده، یک پلنفرم راهبردی برای پیوند دادن اقتصادهای روسیه، آسیای مرکزی، ایران و جنوب شرق آسیا(هند) است. از نگاه مسکو، توجه به فشارهای اقتصادی غرب و محدودیت‌های ایجاد شده در مسیرهای سنتی مانند دریای سیاه، تنوع‌بخشی به مسیرهای تجاری و دسترسی به آب‌های آزاد از طریق کشورهای همسو، یک ضرورت حیاتی است. تکمیل این راهگذر برای

جدید در چنین شرایطی از نظر اقتصادی توجیه دارد یا خیر. رویترز همچنین گزارش داده است که با ادامه درگیری‌ها، اثرات افزایش قیمت نفت و افت بازارهای مالی جهانی بیشتر نمایان شده‌است. قیمت نفت برنت از هر بشکه ۲۵ درصد افزایش یافته و در لندن جهانی افزایش یافته‌است. در پی افزایش فشارهای انرژی، برخی کشورها اقدامات اضطراری برای مدیریت مصرف سوخت و انرژی آغاز کرده‌اند. در ترکیه قیمت برق و گاز طبیعی تا ۲۵ درصد افزایش یافته و در لندن نیز برخی جایگاه‌های سوخت با کمبود بنزین مواجه شده‌اند. در همین راستا، چند کشور اقدامات ویژه‌ای را در دستور کار قرار داده‌اند. فیلیپین هفته‌ای نگه چهار روز کاهش داده و دستورالعمل‌های صرفه‌جویی انرژی صادر کرده‌است. تایلند نیز علاوه بر افزایش قیمت‌ها، یارانه‌هایی برای جبران هزینه‌ها در نظر گرفته و از مردم خواسته‌است مصرف سوخت و رانندگی را کاهش دهند. در سنگلاذ سه‌میله‌بندی سوخت اولویت بخش کشاورزی آغاز شده‌است. هند نیز عوارض صادراتی را دوپاره اعمال کرده و به بالا پیشگام‌ها دستور داده‌است که مایع (LPG) را برای مصرف داخلی نگه دارند. کره جنوبی نیز برای صرفه‌جویی در مصرف سوخت، محدودیت‌هایی برای رانندگی کارمندان دولتی وضع کرده‌است. گزارش‌ها همچنین نشان می‌دهد تأثیر بحران تنگه هرمز تنها به بازار انرژی محدود نمی‌شود. مجروح جهانی اقتصاد اعلام کرده‌است که صادرات

بازارهای جهانی، عقب می‌ماند.

## دیمزارها در مسیر بازگشت به مدار تولید

می‌شوند. این تغییر، افزون بر افزایش حاصلخیزی خاک، موجب کاهش آفات و بیماری‌های نیز می‌شود و در نهایت به افزایش عملکرد در واحد سطح می‌انجامد. استفاده از این الگو، به‌ویژه در دیمزارها، می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در بهبود شرایط تولید ایفا کند. هم‌زمان با این رویکرد، کشاورزی حفاظتی نیز به‌عنوان یکی از ارکان اصلی برنامه‌های جدید مطرح شده‌است. این شیوه، به حفظ ساختار خاک، کاهش شخم‌زنی و استفاده پهنه‌ای بقایای گیاهی تأکید دارد. اجزای چنین روش‌هایی، ضمن جلوگیری از فرسایش خاک، به حفظ رطوبت و افزایش توان تولیدی زمین می‌کند. این اقدامات در مجموع، بستری را فراهم می‌سازد که دیمزارها بتوانند با کمترین وابستگی به منابع آبی، بیشترین بازدهی را داشته باشند. افزایش تولید در این اراضی، صرفاً به‌معنای گسترش سطح زیر کشت نیست، بلکه بر اثر تقای عملکرد در واحد سطح تمرکز دارد. در شرایطی که امکان توسعه اراضی کشاورزی محدود است، بهبود بهره‌وری به‌عنوان راهکاری منطقی و پایدار مطرح می‌شود. انتقال دانش فنی، استفاده از بذرهاي اصلاح‌شده داخلی ایجاد امنیت غذایی نوین، از جمله ابزارهایی است که در این مسیر مورد استفاده قرار می‌گیرد. این اقدامات می‌تواند فاصله میان ظرفیت بالقوه و عملکرد واقعی را کاهش دهد و زمینه‌ارایی افزایش تولید فراهم‌سازد. در کنار این تحولات، توجه به تنوع محصولات نیز اهمیت ویژه‌ای یافته‌است. تمرکز صرف بر یک یا دو محصول، ریسک تولید را افزایش می‌دهد و کشاورزان را در برابر نوسانات اقلیمی آسیب‌پذیر می‌سازد. از این رو، کشت محصولاتی مانند حبوبات، دانه‌های روغنی، گیاهان علوفه‌ای و دارویی در کنار کشت‌های جدی مووجه کرده و ضرورت بستری را با شیوه‌های تولید را به مسئله‌ای اجتناب‌ناپذیر تبدیل کرده‌است. در این میان، دیمزارها که پیش‌تر سهمی محدود در تأمین محصولات اساسی داشتند، به‌عنوان گزینه‌ای نوین راهبردی برای عبور از عین حال، محدودیت‌های تنوع نیز به همراه گرفته‌اند. دیمزارها به اراضی‌ای اطلاق می‌شود که کشت در آن‌ها بدون استفاده از آبیاری مصنوعی و صرفاً بر پایه بارش‌های طبیعی انجام می‌گیرد. این ویژگی، در شرایط کم‌آبی، مزیتی مهم محسوب می‌شود، اما در عین حال، محدودیت‌هایی نیز به همراه دارد. نوسان در میزان بارندگی و نبود مدیریت علمی در گذشته، نوسان در میزان بارندگی و نبود مدیریت علمی در گذشته، موجب شده بود که بهره‌وری این اراضی در سطح مطلوبی قرار نگیرد. اکنون با تغییر رویکردها، تلاش بر آن است که با استفاده از روش‌های نوین، این محدودیت‌ها به حداقل برسد و ظرفیت‌های بالقوه این اراضی بالفعل شود. یکی از مهم‌ترین راهکارهایی که در این زمینه مورد توجه قرار گرفته، اجرای الگوی تناوب کشت است. در این روش، به‌جای کشت مداوم یک محصول، ترکیبی از محصولات مختلف در دوره‌های زمانی مشخص جایگزین یک‌دیگر



تغییرات اقلیمی و کاهش منابع آبی، معادلات سنتی کشت و ر دگرگون کرده و ضرورت حرکت به سوی الگوهای پایدار را بیش از هر زمان دیگری آشکار کرد. در چنین شش‌ااره‌ای، توجه به دیمزارها به‌عنوان ظرفیتی مغفول، به یکی از محورهای اصلی سیاست‌گذاری در بخش کشاورزی بدل شده‌است. این برنامه‌ای با هدف افزایش بهره‌وری، حفظ منابع پایه و تقویت امنیت غذایی نوین، از جمله ابزارهایی است که در این مسیر مورد استفاده قرار می‌گیرد. این اقدامات می‌تواند فاصله میان ظرفیت بالقوه و عملکرد واقعی را کاهش دهد و زمینه‌ارایی افزایش تولید فراهم‌سازد. در کنار این تحولات، توجه به تنوع محصولات نیز اهمیت ویژه‌ای یافته‌است. تمرکز صرف بر یک یا دو محصول، ریسک تولید را افزایش می‌دهد و کشاورزان را در برابر نوسانات اقلیمی آسیب‌پذیر می‌سازد. از این رو، کشت محصولاتی مانند حبوبات، دانه‌های روغنی، گیاهان علوفه‌ای و دارویی در کنار کشت‌های جدی مووجه کرده و ضرورت بستری را با شیوه‌های تولید را به مسئله‌ای اجتناب‌ناپذیر تبدیل کرده‌است. در این میان، دیمزارها که پیش‌تر سهمی محدود در تأمین محصولات اساسی داشتند، به‌عنوان گزینه‌ای نوین راهبردی برای عبور از عین حال، محدودیت‌های تنوع نیز به همراه گرفته‌اند. دیمزارها به اراضی‌ای اطلاق می‌شود که کشت در آن‌ها بدون استفاده از آبیاری مصنوعی و صرفاً بر پایه بارش‌های طبیعی انجام می‌گیرد. این ویژگی، در شرایط کم‌آبی، مزیتی مهم محسوب می‌شود، اما در عین حال، محدودیت‌هایی نیز به همراه دارد. نوسان در میزان بارندگی و نبود مدیریت علمی در گذشته، نوسان در میزان بارندگی و نبود مدیریت علمی در گذشته، موجب شده بود که بهره‌وری این اراضی در سطح مطلوبی قرار نگیرد. اکنون با تغییر رویکردها، تلاش بر آن است که با استفاده از روش‌های نوین، این محدودیت‌ها به حداقل برسد و ظرفیت‌های بالقوه این اراضی بالفعل شود. یکی از مهم‌ترین راهکارهایی که در این زمینه مورد توجه قرار گرفته، اجرای الگوی تناوب کشت است. در این روش، به‌جای کشت مداوم یک محصول، ترکیبی از محصولات مختلف در دوره‌های زمانی مشخص جایگزین یک‌دیگر

دست‌کم ۹ کالای مهم از جمله متانول، آلومینیوم، گوگرد و گرافیت کسه در زنجیره تأمین صنایع جهانی نقش کلیدی دارند، تحت تأثیر این بحران قرار گرفته‌

است.

اختلال در تجارت این مواد، از صنایع پیشرفته تا بخش ممتل کرد، یون سوک یول، روز یکشنبه در نشست با مقامات ارشد اقتصادی و صنعتی این کشور در سئول، با اشاره به تداوم جنگ در خاورمیانه و بسته شدن عملی تنگه هرمز، وضعیت اقتصاد جهانی را «بحرانی و بی‌سابقه» ارزیابی کرد.

وی با بیان اینکه جنگ علیه ایران اقتصاد جهان را به لرزه در آورده‌است، افزود: ما با موج سه‌گانه شوک‌های نفتی، تورم افسار گسیخته و اختلال در زنجیره تأمین مواد اولیه حیاتی مواجه هستیم. این بحران، بر خلاف بحران‌های قبلی، پایانی قابل پیش‌بینی ندارد. به گفته کارشناسان، کره جنوبی به‌عنوان چهارمین اقتصاد بزرگ آسیا و یکی از وابسته‌ترین کشورها به نفت خاورمیانه، بیش از هر کشور غیر درگیر دیگری از این جنگ آسیب دیده‌است. بر اساس گزارش مرکز

مطالعات استراتژیک و بین‌المللی (CSIS) امریکا، «هیچ کشور غیر نظامی به اندازه کره جنوبی از جنگ ایران آسیب ندیده‌است.» ■ **بحران در اقتصاد جهانی با بستن تنگه هرمز**

فاطمه مقصدی، عضو کمیسیون اقتصادی مجلس با اشاره به بازندگان جنگ علیه ایران به اقدام راهبردی ایران برای بستن تنگه هرمز اشاره کرد و گفت: امریکا با حمله به کشورمان دچار خطای محاسباتی شده‌است و با این اقدام در چنگال رژیم کودک کت می‌ماند. او افزود: امریکا با تهاوراتی نسبت به ایران داشتند و بر اساس طرح‌های خود فکر نمی‌کردند اینگونه کم‌بیاورند. عضو کمیسیون اقتصادی مجلس بیان کرد: دیمزارها به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های اصلی که نیروهای مسلح به‌نحو احسن و در شرایط حساس آن را بستند تا به دشمنان بفهمانند نمی‌توانند در مقابل ایران‌پران روزگویی کنند، باید به این نکته اشاره کرد. بستن تنگه هرمز بازار انرژی جهانی و به‌نحو اقتصادی را در دو چار بحران کرده‌است که همین موضوع باعث شده تا رئیس‌جمهور ایالات متحده به یاد گویی پناه ببرد. وی گفت: قطعه تنگه هرمز تا زمانی که نیروهای مسلح به‌کارگیری تولید، بهبود بهره‌وری و صرفه‌جویی در مصرف سوخت، محدودیت‌هایی برای رانندگی کارمندان دولتی وضع کرده‌است. گزارش‌ها همچنین نشان می‌دهد تأثیر بحران تنگه هرمز تنها به بازار انرژی محدود نمی‌شود. مجروح جهانی اقتصاد اعلام کرده‌است که صادرات